



راهنمای انسان‌نویسی
(کتاب کار)

زینب درزی

طراوت ۱۳۸۸

سرشناسه: درزی، زینب، ۱۳۵۱-

عنوان و نام پدیدآور: راهنمای انشاء نویسی / زینب درزی.

مشخصات نشر: تهران: طراوت، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۵۰-۴۰-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: فارسی-- انشاء و تمرین-- راهنمای آموزشی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ر ۲ / PIR۲۸۳۹۰

رده بندی دیویی: ۸۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۹۰۵۶۸



راهنمای انشانویسی

زینب درزی

نوبت و تاریخ چاپ: اول، ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۵۰-۴۰-۲

قیمت: ۱۷۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مرکز پخش: میدان بهارستان، خ مجاهدین اسلام، جنب مسجد شفا

کوچه شهید کشمش، شماره ۱۴

فکس: ۷۷۵۳۶۴۵۶

تلفن ۷۷۶۵۱۴۱۲-۰۹۱۲۵۸۴۶۱۰۹

سخن ناشر

خوانندگان و نویسندگان محترم
از این که ما را میهمان خانه چشمانتان ساخته اید، سپاسگزاریم.
امیدواریم نظرات، پیشنهادات، انتقادات و هرگونه مشاوره درباره چاپ و
خرید کتاب را با ما در میان بگذارید.

نشر طراوت

۰۹۱۲۵۸۴۶۱۰۹ - ۷۷۶۵۱۴۱۲



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۶	سخن مؤلف
۱۰	راه‌های فعال کردن انشا
۱۵	شرح خصوصیات ظاهری و انسان‌نمایی سیب و هویج
۲۱	مجموعه نوشته‌های ادبی دانش‌آموزان
۲۳	سخنی با خدا
۲۹	زندگی
۳۳	سفری سبز
۳۸	سراب آرزوها
۴۲	طبیعت
۴۸	ابر
۵۰	باران
۵۲	برف
۵۴	مخمل سبز علفزاران
۵۸	کوهستان
۶۱	آموزگار
۶۷	مادر
۷۰	رمضان
۷۲	علی (ع)
۷۶	امام حسین (ع)
۸۱	انتظار (مهدی عج)

مقدمه

چند صباحی است که فانوس همیشه روشن ادب، رو به خاموشی سردِ غربت گراییده است.

واژه‌های شعر و ادب در کوچه‌های سکوتِ تفکر، گزینه‌ی انزوا را طلب کردند و فضای بی‌روح مهاجرت را جایگزین امواج پُرتلاطم و همیشه زنده‌ی نظم و نثر ادب فارسی نمودند.

به همین مناسبت، بر آن آمدم که مجموعه‌ای از آثار با ارزش و خواندنی گل‌های باغ دانش را به همراه راه‌های فعال ساختن درس انشاء در معرض دید و مطالعه علاقه‌مندان ادب‌دوست قرار دهم تا شاید جرقه‌ای از شکوفایی و نبوغ فکری در اذهان ایجاد شود.

آنچه در مقابل دیدگان خود می‌بینید حاصل چندین سال تلاش و زحمت این جانب جهت بارور ساختن استعدادهای بالقوه است.

در این مجموعه عزیزانمان جهت به کارگیری واژه‌های زیبای ادبی در نوشته‌هایشان به مطالعه آثار متعددی از نویسندگان مختلف پرداختند و با انتخاب بهترین واژه‌ها، زیباترین نوشته‌ها را در موضوعات مختلف پدید آوردند.

لذا بر آن شدم تا با ایجاد ذوق و ابتکار در دانش‌آموزان، مجموع نوشته‌های ادبی ارزشمندشان را به چاپ برسانم. لازم به یادآوری است که اگرچه نوشته‌های دانش‌آموزان خالی از اشکال نیست ولی به خاطر امانتداری، عین نوشته‌های آنان را در این کتاب ثبت کردم. شما دانش‌آموزان عزیز نیز می‌توانید در پایان هر قسمت از موضوع، با استفاده از واژه‌های به کار رفته در متن ادبی، متن جدید دیگری بسازید و از این طریق به قلم خود توانایی ببخشید.

پیروز باشید

سخن مؤلف

ناخودآگاه واژه‌ای در کلاس درس نگارش به دانش‌آموزانم دادم تا به عنوان یک کلمه‌ی کمکی در نوشته‌ی ادبی خود به کار بگیرند اما ... اما انبوهی از برق نگاه‌های سؤال برانگیز همچون تیری که علامت سؤال، سگان‌دار آن بود به طرفم پرتاب شد.

ناخدای فکرم را در قایق اندیشه‌هایم اجیر کردم و به این مسالهی پُراتهاب اندیشیدم:

آیا در این معرکه‌ی زودگذر جایی از کوی رنگین انتظار در سکوی پُرتنش مسابقه‌ی زندگی می‌توان گذاشت؟

آیا در این دیار بی‌رنگ و بو می‌توان رنگین‌کمانی از انتظار را در یاقوت سرخ قلبمان نقاشی کرد؟

کلمه‌ی «انتظار» در عصر ما مثلی غریب است که قصه‌ی تلخ فاصله‌ها را برای ما بازگو می‌کند و پرده‌ای از تحمل سنگینی بار جدایی را در جلو خوان دیدگانمان می‌گشاید.

شاید روی این پرده‌ی کشیده شده بتوان پرتو ستاره‌های پرتلاکُوش را چراغ راه یافتن قرار داد.

جستن یار در ظلمات اندیشه‌ها، تقدس‌ها و تنفرها....

بویدن گلی متفاوت از بین هزاران گل کاشته شده بر روی خاک

دیدن سیمایی تمام‌رخ از میان نیم‌رخ‌های برگشته از عبودیت خدا

چه سخت و گران‌بار است اعتلا بخشیدن به ارزش‌های اسلامی در

جوامعی که مهدویت را در صفحه‌ی طراحی روحشان کمرنگ جلوه دادند،

از قلم‌موی نقاشی خود برای پر رنگ نمودن این درّ حیاتی کم گذاشته و

در صدف قلبشان محبوس نمودند.

فغان! از دل غم‌دیدگانی که در عطش رسیدن به چشمه‌های وصال، جرعه‌ای از مثل انتظار را سرمه‌ی چشمانشان کردند تا شاید بتوان قدوم بهاری منتظرشان را سید سبد بر دامن چشم‌باختگان قدرت بیفشاند و دهلیز خانه‌های تنگ و تاریکشان را چراغانی کنند.

افسوس از شکستن جام باده‌ی آشنایی از دستان مهربان هادی بشرا داد و بیداد از گسستن ریسمان اتصال به وصال نازنینش و ...

در آسمان بی‌تکبر نیایش مروری بر زخم‌های ترک خورده‌ی منتظرین جاده‌ی حقیقت می‌کنم تا شاید سخن زیبای « صبروا » را در انتهای مسافت لایتنهای مهرورزی در تابلوی دل مشتاقانش به چاپ برسانم اما دریغ از همایش فانوس «عدالت».

سال‌هاست که مشعل «انسانیت» حیوان‌های انسان‌نما بدون اصالت مانده و به چیزی جز آشامیدن خون‌های رنگین نمی‌اندیشد.

شهرت، قدرت، هیبت، لجام افسارگسیختگانی است که بی‌محابا قدم در میدان زندگی نهادند و مهر قدرت‌طلبی را در چهارچوب قالب تهی خود «قانون» دانسته‌اند. در چنین کشمکشی کجا می‌توان حریری از دیدار دوست بر تن کرد و در خنکای این پوشش دل‌انگیز در صف طول و دراز انتظار به سر برد.

امروزه در دوره‌ای که «مهدویت» نامیده می‌شود؛ اذهان ما با بیگانگی به این مسأله می‌اندیشد. هنوز در شاهراه روح ما جاده‌ی همواری به نام «انتظار» خط‌کشی نشده و گلدسته‌ای از گل نرگس در زمین خشک و کویری قلبمان کاشته نشده است.

چگونه می‌توان در صحرای شوم تنش‌ها بذر تازه و جوان «امیدواری» را زنده کرد و نهال منشی واقع‌گرا را در سرخ‌ترین نقطه‌ی زمین پا بر جا نمود.

دیرگاهی است که حسرت ظهورش، در بند کشیدن جان‌ها را سوژه‌ی زندانیان انتظار قرار داده و کلید رهایی از این بند را سرودن نغمه‌ی دلنشین امن یجیب دانسته.

خدایا چرا «یک‌رنگی» ما در سطل رنگی از تفاخر و تظاهر، بی‌رنگ می‌شود؟

چرا آوای بهاری ما در میان هزاران نواگر دیگر بی‌صدا می‌ماند و ترنم و تازگی احساس ما در قبال سیلی از کینه‌ها و دشمنی‌ها می‌شکند؟
چرا دریایی از اشک زلال و آبی ما در برابر قطره‌ای از پلیدی‌ها مکدر می‌شود و آه جان‌سوز ما در تراز با نابرابری‌ها در گلو خفه می‌شود؟
در پسوند و پیشوند زیستن، ظهور تعبیر زیبای غزل زندگی است که چشمان آبدیده‌ی در راه‌ماندگان را طراوت می‌بخشد و دیوان اشعار سرایندگان نیاز را نظم می‌دهد.

مردمک غبار گرفته‌ی آینده‌ی حقیقت از گرفتگی دیدگانش نمی‌نالد. از ابهام به خاک نشسته‌ی نیازش می‌گردد. از لحظه‌های بی‌جواب طلوعش می‌هراسد.

گاهی پژواک یأس و ناامیدی، منظومه‌ی همیشگی در نمودار زندگی به شمار می‌رود که هر یک از مزارع کویری وجودمان را در لفافی از دوده‌ی تیرگی شناور می‌سازد. اما با برداشتن همزه‌ی تردید می‌توان آن را به یاسی از امید تبدیل کرد. آن را دسته‌دسته چید و در قلب نازنین

منتظرین راهش کاشت تا عطر خوش رایحه‌ی آن وجود لک‌گرفته‌ی از دین‌برگستان مسیر حق را تطهیر کند.

باید بارید و بارید و اشک را در قبال انتظار دوست پیشکش کرد تا همه‌ی سیاهی‌ها و پلیدی‌ها را از جسم شوم تجاوزگران و مستبدان روزگار بزداييم و ظهور بارشی از ابر نیلگون سخاوت را شاهد باشیم. بیایید دست تواضع خود را در برابر وسعت آسمان بالا بگیریم و شکفتن شکوفه‌های عدل و داد را بر روی درختچه‌های خاردار، آرزومند باشیم.

به امید آراستن روزهایی باشیم که باده‌ی محبت و مهر را در جام تواضع به هم هدیه کنیم.

راه‌های فعال کردن درس انشاء

خیلی وقت‌ها چیزهای زیادی از انواع پدیده‌ها، اشیاء، میوه‌ها و ... را پیرامون خود می‌بینیم. بدون اینکه نسبت به شکل، حالت، اندازه، رنگ و ... آن توجهی داشته باشیم. چون تا به حال در موقعیتی قرار نگرفته‌ایم که بخواهیم در مورد شیئی یا پدیده‌ای یا میوه‌ای مطلب بنویسیم.

بارها میوه سیب، موز، خیار و ... دیده و یا خورده‌اید ولی تا به حال به طور دقیق در مورد آن، تعمق نکرده‌اید. شاید از رنگ، اندازه، فواید، خاصیت، مزه، بو و ... آن‌ها مطالبی می‌دانید اما تا به حال سعی نکرده‌اید که تمامی اطلاعات خود را در یک جا جمع کنید و یا خود را جای آن میوه قرار دهید.

مگر اینکه در کلاس درس انشاء دبیر مربوطه از شما بخواهد که خود را در چنین جایگاهی قرار دهد و از زبان یک شی یا میوه ... سخن بگوید. دقیقاً انسان‌نمایی پدیده‌ها را که یکی از عناصر زیبایی سخن است به کار گیرید. برای بازگو کردن خصوصیات ظاهری یک چیز و یا سخن گفتن از زبان آن چیز، نیاز به مقدماتی دارید تا شما را در نوشتن مطلب یاری کند. این مقدمات عبارتند از :

۱- داشتن دفتری ساده که با سلیقه و هنر شما دانش‌آموزان خوش‌نقش و آراسته می‌شود.

۲- تماس فیزیکی با شیء یا میوه یا پدیده (برف، باران، طبیعت و ... که امکان دسترسی به آن را دارید و یا قبلاً تجربه کرده‌اید).

۳- اختصاص دادن دفترچه‌ای جهت ثبت واژه‌های ادبی مؤثر در نوشتن.

۴- اصلاح نوشته‌هایی که مشکل نگارشی دارند یا حذف کلمات شکسته و تکراری.

۵- جایگزین کردن واژه‌های ادبی به جای واژه‌های ساده